



سازندگان جهکسان ایرانی-اسلامی



... گود فروادو گلته ...

اخلاق الصفا

آرمان کرایانی در حاشیه جهان اسلام

پریسا سجادی



Callatay, Godefroid de	سرشناسه	: کالاتای، گودفروا دو
عنوان و نام پدیدآور	: اخوان الصفا، ترجمه: پریسا سجادی.	بنی در حاشیه جهان اسلام/ گودفروا دو کلتنه: مترجم
مشخصات نشر	: تهران: نامک، ۱۳۹۷.	
مشخصات ظاهری	: ۱۵۹ ص.: مصور.	
شابک	: 978-600-6721-65-1	
فروست	: سازندگان جهان ایرانی - اسلامی؛ ۸.	
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.	
یادداشت	: عنوان اصلی: Ikhwan al-Fakhr a Brotherhood of Idealists on the Fringe of Orthodox Islam, ©2005.	
یادداشت	: نمایه.	
عنوان دیگر	: آرمان‌گرایی در حاشیه جهان اسلام.	
موضوع	: فلسفه اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴.	
موضوع	: Islamic Philosophy - Early Works to 20th Century	
شناسه افزوده	: سجادی، پریسا، ۱۳۶۳ - ، مترجم.	
رده‌بندی کنگره	: BBR ۱۸۳ ۱۳۹۵	
رده‌بندی دیویی	: ۱۸۹/۱	
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۳۴۱۷۴	

این کتاب ترجمه‌ای است از

Ikhwan al-Safa'

*A Brotherhood of Idealists on
the Fringe of Orthodox Islam*

Godefroid De Callatay

Oneworld Publication, ©2005.



نامک ... زبان پهلوی به معنای کتاب و نامه است.

نفس ۳۶ ۶۶۴۱۷

مجله ... جهان ایرانی - اسلامی - ۸

دیپروم ... هر ... می‌پور

اخرن الف ما

آرمان‌گرایانی در حاشیه ... چنانچه ... م.

گودفروا دو کلا

ترجمه پریسا سجادی

طرح جلد: پرویز بیانی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۱-۶۵-۱ ISBN: 978-600-6721-65-1

همه حقوق برای این اثر محفوظ است

تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً به هر صورت

(چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوتی)

بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد

دفتر فروش: ۶-۶۶۴۷۷۴۰۵، داخلی ۱

فهرست

۱۱	□ تقدیر و تشکر
۱۳	□ درآمد
۱۴	تشیع
۱۶	فلسفه
۱۸	قرن چهارم هجری
۲۳	۱. باطنی‌گری
۲۴	نام گروه
۲۵	مسأله تاریخ و نویسندگان
۲۷	شواهد تاریخی
۳۱	نظریه پردازی‌های بعدی
۳۴	ملغمه جدید
۳۵	پیکره رسائل
۴۳	۲. فیض باوری
۴۳	شکل‌گیری جهان
۴۶	خلقت زمان
۴۸	کون و فساد

۴۹	جایگاه انسان در خلقت پروردگار
۵۱	طبیعت دوگانه انسان
۵۳	نشانه‌های نخستین آدم
۵۵	تصورات آخرت‌شناختی
۶۳	۳. هزاره باوری
۶۴	جب احترامینانه
۷۰	عتقاد به چرخه‌های پیامبرانه
۷۲	نشأ السریه الامبرانه
۷۳	یک زبان سید، یک نگاه
۷۶	خوابیدگان غار
۸۳	غیبت و ظهور
۸۴	ظهور سه قائم
۸۹	۴. بسیار دانشی
۹۰	دسته‌بندی علوم
۹۱	علوم پیش‌آموزشی
۹۳	علوم دینی
۹۵	علوم فلسفی
۹۶	زیرشاخه‌های علوم فلسفی
۱۰۰	مقایسه این نظام‌ها
۱۰۵	۵. درهم آمیختن باورها
۱۰۶	میراث یونانی
۱۱۰	تأثیرات ایرانی و هندی
۱۱۲	سازش حکمت دینی و دنیوی
۱۱۴	تفسیر قرآن
۱۱۶	همتراز کردن کتاب‌های مقدس
۱۱۹	کتب فرجامین

۱۲۳	۶. آرمان پرستی
۱۲۳	دیگر اقرارها
۱۲۶	احکام
۱۳۱	امام حقیقی
۱۳۷	تبلیغات مصور
۱۳۹	مجالس العلم
۱۴۰	استاد رات آرمان شهر
۱۴۳	سخن آخر
۱۴۸	راهنمای مطالعات بعدی
۱۴۸	چاپ‌ها و ترجمه‌ها
۱۵۰	بحث
۱۵۳	نمایه

درآمد

این کتاب دربارهٔ مجموعه‌ای از حدود پنجاه رساله است که گروهی گمنام، ملقب به اخوان الصفا، حدود قرن نهم میلادی / چهارم هجری^۱ در عراق امروزی منتشر کردند. هویت قطعی این اثر را محققان متنازع است. به گمان قوی، ایشان می‌باید منشیان دستگاه‌های اداری محلی بصره (شهری در جنوب عراق) بوده باشند، اما همگان با این ظن موافق نیستند. آنها که می‌پرسند: «می‌توان زندگی نامه‌ای برای کل این گروه و یا هیچ‌یک از این افراد نوشت. با این حال، این که می‌توان تصویری ذهنی از آنان ارائه داد به این دلیل است که آنها درگیر این معجزه شده‌اند. این اثر یک نظام عقلانی منسجم را به تصویر می‌کشد، دیدگاهی به جهان که تازه مورد قبول بود، اما با همهٔ این احوال آنان از یافتن خوانندگانی در تمام قرن‌ها دست‌نخورده‌اند. اخوان تأثیر چشمگیری بر روی بسیاری از متفکران اسلامی داشته‌اند؛ به عنوان مثال به این موضوع اقرار نشده است. از رسائل اخوان الصفا، تا امروز نسخ بسیار، حتی فاندۀ

این رسالات به دو دلیل نزد مسلمانان سنی مذهب غیرقابل قبول است. اول، این که اخوان در اصل شیعه مذهب بودند و دوم این که آنها آشکارا از طرفداران فلسفه یا به عبارت دقیق‌تر، نوافلاطونی یا به اذعان غزالی فیثاغوری به شمار

۱. تواریخ در کتاب اصلی به میلادی ذکر شده که برای درک بهتر از موقعیت زمانی برای خوانندگان ایرانی، همگی را مترجم به هجری برگردانده است.

می‌روند. رسائل، در حقیقت محصول مشخصه علمی قرن چهارم هجری است (قرنی سرشار از فعالیت‌های علمی و عقلی پر دامنه در جهان اسلام). در ادامه درآمد در مورد این سه مشخصه بیشتر توضیح داده خواهد شد.

تشیع

شیعه به سه خلیفه اعتقادی ندارد. همه شیعیان بر این باورند که تنها اهل بیت پیامبر که امام خوانده می‌شوند (تقریباً مترادف با خلیفه) صلاحیت اداره جامعه اسلامی را دارند. این عام توافق به دیدگاه‌های متفاوتی درباره نقش امامان نیز انجامید. شیعیان، بیشتر از دیگر مسلمانان، امام را فراتر از یک رهبر مذهبی دانسته و مدعی بودند بدین امام نمی‌توان به رستگاری رسید، چرا که افراد به تنهایی قابلیت فهم معنای نهانی وحی را ندارند. در اواخر قرن سوم هجری، شیعیان به چهار شاخه اصلی تقسیم شدند:

بزرگ‌ترین گروه، شیعیان دوازده‌امامی هستند که معتقدند زنجیره‌ای از دوازده امام، از زمان پیامبر تا ۲۶۰ هجری قمری که امام دوازدهم غایب شد، هدایت مؤمنان و پیروان را به عهده داشتند. شیعیان با گمانی داشت شهدا و انتظار برای ظهور امام دوازدهم، به عنوان منجی آخر الزمان، ایفی نقیست را سیاست را رها کردند. اما این اعتقاد سیاست‌زدایانه، خوشایند حاکمانی بود که در پایان دادن به خلافت نبودند. عباسیان که برپهنه وسیعی از جهان اسلام حکومت می‌نمودند و مذهب تسنن را گسترش می‌دادند، در این زمان ضعیف شده بودند؛ این مسئله از ۳۳۴ هجری تحت تسلط آل بویه درآمد که سربازان مزدوری از سواحل دریای خزر بودند و برای خود در غرب ایران، یعنی عراق کنونی، حکومت تشکیل دادند. اینان بعد از رسیدن به عراق، امامی‌گری را ترویج دادند. حمدانیان نیز خاندان کوچکی بودند که بر سوریه فرمان می‌راندند و احتمالاً شیعه بودند.

زیدیه، دومین گروه شیعیان، بیشتر حالتی ستیزه‌جو داشتند و در قرن چهارم هجری یمن و دیلم را اشغال کردند. احتمالاً آل بویه قبل از رسیدن به عراق، پیرو زیدیه بودند. سومین گروه، از افراطیون گروه‌های دیگر تشکیل شده بود، که در طیف

وسیع عقایدشان مواردی همچون «تناسخ روح، تشبه روح، یا تشبیه امام به خدا» نیز دیده می‌شود.

چهارمین گروه، اسماعیلیان بودند که بر ریشه شیعیان امامی و افراطی پا گرفته و در اواخر قرن سوم هجری به صورت کامل پدیدار گشتند. اسماعیلیه مجموعه پیچیده‌ای از آموزه‌های مذهبی، اجتماعی و اندیشه‌های عقل‌بنیاد بود با هدف ارائه نظریه‌ای جهان در مورد خدا، جهان و جایگاه بشر در تاریخ. اسماعیلیان نیز همانند شیعیان امی، درگذشتگان خود و سلسله هفت امام خویش را (که آخرینشان در نیمه اول قرن دهم هجری غایب شد) گرامی می‌داشتند. آنها با نظریات پیچیده‌ای در باب تقسیمات، تاریخ جهان معرفی می‌شوند که مطابق آن، جهان به هفت چرخه تقسیم می‌شود و علی‌الغیر یک پیامبر منادی هر چرخه بوده است. با وجود تشیع امامی، اسماعیلیه شاخه‌ای سیاسی و خصمانه از تشیع بود که از نیروی نظامی بسیار استفاده می‌کرد. در اینجا لازم است به شکلات فراوانی که گروهی از اسماعیلیان انقلابی به نام قرامطه در عراق و ایران، آرس به وجود آوردند نیز اشاره‌ای شود؛ آنها حتی موفق شدند حجرالاسود را از مکه به دست ببرند. اما بزرگ‌ترین موفقیت اسماعیلیان زمانی به دست آمد که یکی از گروه‌هایی که در تونس ظهور کرده بود، در سال ۳۵۹ هجری، حکومت مصر را در دست گرفت. این گروه فاطمیان بودند و آنقدر قدرت داشتند که بتوانند خود را خلیفه بخوانند. در کل، تشیع با وجود چندشاخگی درونی‌اش، در قرن چهارم هجری به خوبی ریشه دواند. اگر چه اهل تسنن از نظر تعداد در اکثریت بودند، اما ناچار شدند قدرت را در ساطق با شیعیان تقسیم کنند.

اغلب این تصور وجود داشته که اخوان الصفا نیز اسماعیلی‌اند؛ اما پذیرش این موضوع مشکل‌تر از قبول تشیع آنهاست. با وجود این که رسائل با اصول اعتقادی اسماعیلیان مشترکات بسیار دارد، اما به نظر غیرممکن است بتوانیم نویسندگان را با هیچ یک از دسته‌های اسماعیلی تاریخ، مرتبط بدانیم. نوشتار حاضر، مطالب اندکی به این بحث می‌افزاید، بدون این که پاسخی دقیق به این مسأله داده باشد؛ اما این به معنای کم‌اهمیت شمردن موضوع نیست. مطمئنم که پیکره رسائل باید بدون

کوچکترین پیش داوری نگریسته شود و برشمردن آنها به عنوان محصول محض تفکر اسماعیلیان (همان طور که بسیاری از اندیشمندان گذشته این کار را انجام داده اند) ناگزیر تأثیری ناخوشایند بر تفسیر خوانندگان خواهد داشت. به علاوه، همان طور که در متن بیشتر مشخص می شود، این تعریف محدودکننده و غیرقابل تأیید با دیدگاه التقاطی است که اخوان در رسائل خویش به نمایش گذاشته اند.

فصل ششم

پیش از نامور اسلام، خاورمیانه مرکزی بود که فلسفه یا به عبارت دیگر کالبد نظام عقلانی به جا مانده از دوران کهن، همزمان با این که در غرب دریای مدیترانه از آن دست کشیده و پرونده شد جماعتی از فلاسفه (غالباً، اما نه صرفاً مسیحی) در شهرهایی نظیر موصل، امدی، همدان، خندی شاپور و حران گرد هم می آمدند، سنت غنی ای که در یونان، سوریه و ایران پا گرفت بود، حتی بعد از یورش ناگهانی اعراب نیز ادامه یافت. حمله اسلام در اواخر قرن یکم، جنگ و گسترش آن تا مرزهای اسپانیا و هند، در نخستین برخورد خود این نظم را درهم نزد؛ اما در اواخر خلافت امویان (۱۳۲ هجری) و به ویژه اوایل خلافت عباسیان، جایگزینی سابقه برای ترجمه این سنت غنی به زبان عربی (زبان حاکمیت جدید) آغاز شد. این مسؤولیت عظیم نمی توانست قبل از قرن چهارم هجری خاتمه یابد، یعنی زمانی که به استثنای برخی از آثار ادبی خاص که مورد علاقه دانشمندان اسلامی نبود تقریباً تمام منابع یونانی موجود در این منطقه از جهان به زبان عربی ترجمه شدند. گسترش چشمگیر این رشته ها از منطق و متافیزیک تا اخلاق و سیاست، پزشکی و علوم طبیعی، علوم اعداد (ریاضیات، هندسه، موسیقی و ستاره شناسی) و علوم فنی را در بر می گرفت. جهان اسلام در طول دو قرن، آمیزه ای غنی از فرهنگ ها، نژادها و مذاهب مختلف بود که در آن محیط مترجمان، نسخه برداران و دانشمندان می توانستند در کنار یکدیگر کار کنند. بیشتر این آثار، به خصوص در آغاز این جنبش علمی، به سفارش خلفا انجام می گرفت اما در کل برنامه ای متمرکز یا حامی مشخصی برای این برنامه وجود نداشت و همین امر دستاوردهای آنان را بسیار تأثیرگذار می کند. اکثر مترجمان

مسیحی بودند، اما گروه‌های دیگری نیز به ترجمه اشتغال داشتند از جمله یهودیان، ایرانیان، اعراب و حتی بت‌پرستان و کافرکیشانی که در شهر حرّان زندگی می‌کرده و اعتقاد آنان به الوهیت سیارگان تا قرن چهارم هجری ادامه یافت. لازم به ذکر نیست که این تکثر فرهنگی باعث شده تنها منابعی که در یونان ریشه داشت، بلکه منابع هندی، ایرانی و بین‌النهرینی نیز مرکز توجه باشد.

فلسفه و دیگر علوم عقلی به سادگی جایگاه خود را در نظام خوش ساختار تفکر اسلامی باز نکرد. تا زمانی که بالاخره این علوم مجال ظهور یافتند، زمینه علوم نظری به شدت در انحصار علوم سنتی، یعنی علوم (نظیر فقه و کلام) بود که می‌توانستند پایه قرآن و سنت پیامبر تقویت کنند. به این ترتیب، تحولی حتمی در جریان بود. همان‌طور که انتظار می‌رفت کلام اسلامی، با شک و تردید و به آهستگی تن به استدلال‌های مستقل می‌داد. معتزله مکتبی الهیاتی با پایه‌های اعتقادی عقل‌باور، بر این دوره بسیار تأثیر گذاشت. حتی در مدتی در اواخر قرن دوم هجری، از حمایت خلیفه بغداد که در اوج قدرت بود، نیز برخوردار شد. تصادفی نیست که کندی (وفات ۲۵۶ هجری)، بزرگ‌ترین شخصیت فلاسفه اسلامی نیز در این دوره پا به عرصه گذاشت. کندی، از اعضای جنبش ترجمه میراث باستان و نخستین فیلسوف بزرگی است که نامش در منابع مکتوب اعراب آمده است. به این ترتیب، او و حلقه‌اش نخستین متفکرانی بودند که سعی کردند دیالکتیک یونانی را با حقیقت الهی قرآن و زندگی حضرت محمد [ص] تلفیق کنند. دارسان عظیم کندی، که قسمت‌هایی از آنها تا به امروز باقی مانده است، شهادی بر این حقیقت است که او بیش از آن‌که یک فیلسوف به معنای دقیق کلمه باشد، فردی جامع‌الاطراف بود. او تقریباً در مورد تمام موضوع‌ها از ریاضیات تا فیزیک و از تاریخ تا جادو مطالبی نوشته بود. مورد مشخص دیگر در رسالات وی این است که او از فلاسفه باستان بیش از همه افلاطون و ارسطو (هر دو قرن چهارم ق. م) را می‌ستوده است. این موضوع در مورد اکثر فلاسفه قرن چهارم صادق است. از آنجا که بعدها یکی از این دو فیلسوف بر دیگری ارجحیت داده می‌شد، لازم است بین ارسطوئیان و افلاطونیان تمایز قائل شویم.